

فصل دوم



درس چهارم سبک‌شناسی در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم (سبک عراقی)

درس پنجم پایه‌های آوایی همسان (۱)

درس ششم مجاز

* کارگاه تحلیل فصل

درس چهارم

سبک عراقی

سبک‌شناسی قرن‌های هفتم، هشتم و نهم

ویژگی‌های سبک عراقی

الف) شعر:

ویژگی‌های شعر این دوره در سه قلمرو عبارت اند از:

۱. زبانی:

برخی از ویژگی‌های زبانی شعر این دوره عبارت است از:

- چهارچوب زبان همان چهارچوب فارسی قدیم یعنی زبان سبک خراسانی است که تا حدودی مختصات جدید یافته است؛
 - لغات فارسی اصیل قدیم کم شده و جای آنها را لغات عربی گرفته است؛
 - «می» اندک اندک جای «همی» را گرفته است؛
 - «در» به جای «اندر» در حال جایگزین شدن است و نیز واژه‌های «ایدون، ایدر، آبا، آبر و...» بسیار اندک به کار می‌روند؛
 - به کارگیری حرف نشانه «مر» در کنار مفعول جمله کم شده است.
- اساساً مهم‌ترین ویژگی زبانی سبک عراقی درهم آمیختگی مختصات نو و کهن است که گاهی در یک شعر کوتاه نیز در کنار هم دیده می‌شود.





۲. ادبی:

برخی از ویژگی‌های ادبی شعر این دوره عبارت است از:

- در شعر این دوره کاربرد غزل بیشتر شد و جایگاه «تخلص» در انتهای آن تثبیت گردید.
- توجه به علوم ادبی از جمله «بیان» و «بدیع» بیشتر شد.
- شعر این دوره از دربار خارج شد؛ قصیده از رونق افتاد و غزل عارفانه و عاشقانه رواج یافت.

۳. فکری:

برخی از ویژگی‌های فکری شعر این دوره به شرح زیر است:

- فکر در این دوره با تأثیرپذیری از مسائل سیاسی و اجتماعی دستخوش تغییر شد؛ مثلاً در دوره خراسانی، معشوق شاعر، زمینی و دست‌یافتنی بود ولی در شعر این دوره، مقام معشوق اندک‌اندک متعالی می‌گردد تا آنجا که گاه با معبود یکی می‌شود.
- بعد از حمله مغول و خدشه‌دار شدن غرور و احساسات ملی ایرانیان، نیاز به سخنان آرام‌بخش و توجه به امور اخروی بیشتر می‌شود و این امر باعث رواج بیشتر تصوف می‌گردد؛ برخی اندیشه‌ها، از جمله بی‌اعتباری دنیا و اعتقاد به قضا و قدر رواج بیشتری می‌یابند.
- پرهیز از زهد ریایی، توجه به صفا و پالایش درون، برتری عشق بر عقل و امثال آنها مفاهیم و اندیشه‌های شعر این دوره را رقم می‌زنند.

■ مقایسه ویژگی‌های فکری سبک خراسانی و عراقی

عراقی	خراسانی
ستایش عشق	ستایش خرد
غم‌گرایی	شادی‌گرایی
فراق	وصال



واقع‌گرایی یا توجه به دنیای بیرون	ذهن‌گرایی یا توجه به دنیای درون
رواج روحیه پهلوانی و حماسی	رواج روحیه عرفانی و اخلاقی
باور به اختیار و اراده	باور به قضا و قدر
زمینی‌بودن معشوق	آسمانی‌بودن معشوق
بازتاب‌اندک علوم در شعر	بازتاب بیشتر علوم در شعر

(ب) نثر:

ویژگی‌های نثر این دوره در سه قلمرو عبارت‌اند از:

۱. زبانی:

در این قلمرو ویژگی‌های زیر شاخص‌تر است:

- نثر فنی کم‌کم در قرن هفتم ضعیف می‌شود و در قرن هشتم با سیطرهٔ تیموریان بر ایران از میان می‌رود، تا آنجا که نثر ساده در اکثر کتاب‌های این دوره جای نثر فنی را می‌گیرد. در قرن ششم چنین مرسوم بود که برخی نویسندگان، آثار موجود را که به نثری ساده بود، به نثر فنی باز می‌نوشتند. در این دوره (قرن هفتم و هشتم) برخی نویسندگان، کتاب‌های مشکل را به زبان ساده بازنویسی می‌کردند؛ چنان‌که ملاحسین واعظ کاشفی کلیله و دمنه را به انشای دورهٔ خود بازگرداند و آن را «انوار سُهیلی» نامید.
- تاریخ‌نویسی در این دوره به اسلوب ساده رواج یافت، هر چند نمونه‌هایی با نثر پیچیده نیز در میان تاریخ‌های این دوره یافت می‌شود. در مقدمهٔ کتاب ظفرنامهٔ شامی، که قدیمی‌ترین تاریخ نوشته شده دربارهٔ تیمور است، می‌خوانیم: «امیر تیمور به من دستور داد که ساده بنویسم؛ به طوری که عامهٔ مردم بفهمند.» تاریخ‌نویسی از اوایل دورهٔ مغول، به سبب علاقهٔ شدید آنان به ثبت وقایع مربوط به پدران و اجدادشان شروع شد و در دورهٔ تیموری هم ادامه یافت. حاشیه‌نویسی‌های متعددی نیز به نثر ساده بر تاریخ‌های قدیم انجام گرفت. البته باید توجه داشت که این سادگی نثر همه جا یکسان نیست و نثر سادهٔ این دوره را نمی‌توان فصیح و بلیغ دانست.



- از دیگر ویژگی‌های نثر این دوره، ورود لغات قبایل مختلف ترک و مغول به زبان فارسی است که در دوره تیمور سرعت رشد آن بیشتر شد؛ اما این جریان در زبان فارسی دیری نپایید. سلطان حسین بایقرا و امیرعلیشیر نوایی در حوزه ادبی هرات، ترکی گویی و ترکی نویسی را تشویق می‌کردند. امیرعلیشیر نوایی چند کتاب از جمله «محاكمة اللغتين» را به ترکی نوشت و ظهیرالدین بابر هم «بابرنامه» را به ترکی نوشت. نمونه‌ای از کلمات دخیل که هنوز هم در زبان فارسی استعمال دارند، عبارت‌اند از: بیلاق و قشلاق (سردسیر و گرم‌سیر)، قشون (ارتش) و یورش (هجوم).
- به‌وجود آمدن سستی و ضعف در ساخت دستوری جملات نثر، از ویژگی‌های دیگر این دوره است.

۲. ادبی

- در اندیشه ادیبان این دوره، صنایع ادبی جای تعمق و تفکر را گرفت؛ اما چون استعدادهاى بزرگی در این عرصه ندرخشیدند، در کتاب‌های مصنوع و متکلف بیشتر به ظاهرسازی و تصنع پرداختند و به استعاره‌های دور از ذهن و آوردن سجع‌های متوالی و بی‌روح روی آوردند.

۳. فکری

- به علت کشتن یا متواری ساختن فضلا و نابودی کتابخانه‌ها، از صحت و اتقان مطالب کاسته شد و ضعف و انحطاط فکری این دوره را فرا گرفت.
- همچنین به علت نبودن استادان بزرگ و از بین رفتن مراکز علمی، تحقیق و تتبع در بین علما و ادیبان تضعیف شد.
- مدعیان عرفان هم که به اقتضای زمانه با مغولان کنار آمده بودند، اندک‌اندک اصالت خود را از دست دادند و به درسی کردن عرفان و شرح اصطلاحات و پیچیده جلوه دادن مفاهیم آن پرداختند؛ در نتیجه در این دوره، کتاب عرفانی مهمی به نثر نوشته نشد.





خودارزیابی

۱ شعر زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید:

آن یکی آمد در یاری بزد
گفت من؛ گفتش «برو هنگام نیست»
خام را جز آتش هجر و فراق
رفت آن مسکین و سالی در سفر
پخته شد آن سوخته؛ پس بازگشت
حلقه زد بر در به صد ترس و ادب
بانگ زد یارش که «بر در کیست آن؟»
گفت یارش: «کیستی ای معتمد؟»
بر چنین خوانی مقام خام نیست
کی پزد کی وارهاوند از نفاق؟
در فراق دوست سوزید از شرر
باز گرد خانه انباز گشت
تا بنجهد بی ادب لفظی ز لب
گفت «بر در هم تویی ای دلستان»

مولوی

الف) دو مورد از ویژگی‌های زبانی ابیات بالا را بنویسید.

ب) ویژگی فکری حاکم بر شعر چیست؟

پ) دو مورد از ویژگی‌های ادبی شعر را بنویسید.

ت) بیت پایانی را تقطیع هجایی کنید و در جدول بنویسید:

۲ چرا در عصر مغول و تیمور، تاریخ‌نویسی رواج پیدا کرد؟ توضیح دهید.

۳ ویژگی‌های زبانی ابیات فردوسی و حافظ را در مثال‌های زیر با یکدیگر مقایسه کنید:

چنین گفت رستم به آواز سخت	که ای شاه شادان دل و نیک بخت
اگر جنگ خواهی و خون‌ریختن	بر این گونه سختی برآویختن
بگو تا سوار آورم زابلی	که باشند با خنجر کابلی
بر این رزمگه‌شان به جنگ آوریم	خود ایدر زمانی درنگ آوریم

فردوسی



یکی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد
 از لعل تو گر یابم انگشتی زنهار،
 صد ملک سلیمانم در زیر نگین باشد
 غمناک نباید بود از طعن حسود ای دل
 شاید که چو وایینی، خیر تو در این باشد
 هر کاو نکند فهمی زین کلک خیال انگیز
 نقشش به حرام ار خود، صورتگر چین باشد

حافظ

۴ یک مورد از ویژگی‌های فکری بیت‌های زیر را بنویسید؛ سپس تشبیه‌های موجود را بیابید و نوع آنها را مشخص کنید.

آتش است آب دیدهٔ مظلوم
 چون روان گشت، خشک و تر سوزد
 تو چو شمعی از او هراسان باش
 کاؤل، آتش ز شمع سر سوزد

سیف فرغانی

۵ ویژگی‌های فکری متن زیر را بنویسید.

بدان که شریعت، گفت انبیاست و طریقت، کرد انبیاست و حقیقت، دید انبیاست. سالک باید که اول از علم شریعت آنچه ما لا بُد است، بیاموزد و یادگیرد و آنگاه از عمل طریقت، آنچه ما لا بُد است به جای آورد تا از انوار حقیقت به قدر سعی و کوشش وی روی نماید.

عزیزالدین بن محمد نسفی

۶ پایه‌های آوایی را در بیت دوم شعر فردوسی (خودارزیابی ۳) مشخص نمایید.



درس پنجم

پایه‌های آوایی همسان^(۱)

پس از تشخیص و درک پایه‌های آوایی، درمی‌یابیم که پایه‌های آوایی بیت‌ها، به شکلی هماهنگ در پی هم می‌آیند. به بیان دیگر، می‌توان پایه‌ها را به دسته‌هایی منظم بخش کرد. اکنون، چگونگی نظم هر یک از این دسته‌ها را بررسی می‌کنیم.

به چینش پایه‌های آوایی بیت زیر، دقت کنید:
درین درگاه بی‌چونی، همه لطف است و موزونی

چه صحرای، چه خضرای، چه درگاهی، نمی‌دانم

مولوی

دَرین دَر گَا	هَ بی چونی	هَ مِ لُط فَس	تُ موزونی
چِ صَحْرا بی	چِ خَضْرا بی	چِ دَرگَا هی	نِ می دانم

با خوانش درست بیت، درنگی منظم را در میان پایه‌های آوایی هر مصراع، احساس می‌کنیم. به بیان دیگر، هر مصراع از پایه‌های تکراری و منظم چهارهجایی تشکیل شده است. این پایه‌های تکراری و هماهنگ را، «پایه‌های آوایی همسان» می‌نامیم.





وقتی هجاهای شعری را به شکلی درست به پایه‌های آوایی بخش کردیم؛ ساده‌تر این است که به جای هریک از این پایه‌ها، معادل هریک از آنها را بیاوریم. معادل‌های این پایه‌ها را «وزن واژه یا رکن» می‌نامیم.

برخی از وزن واژه‌ها یا ارکان شعر فارسی عبارت‌اند از:

فعولن (—U) مفاعیلن (—U—) فاعلاتن (—U—)
 مستفعلن (—U—) فاعلاتن (—UU) مفتعلن (—UU—)

مثلاً در این بیت «وزن واژه»، مفاعیلن (ت تن تن تن) است.

دَ رین دَرگا هِ بی چو نی هَم لُط فُس تُ مو زو نی	پایه‌های آوایی
چِ صَح را یی چِ خُض را یی چِ دَر گا هی نِ می دا نم	وزن
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	

تکرار و تمرین از طریق گوش دادن، یکی از راه‌های مؤثر درک وزن بیت است. هم‌چنین قرار دادن نشانه‌های هجایی یکی دیگر از راه‌های مؤثر برای تشخیص وزن است. اکنون بیت بالا را با نشانه‌های هجایی می‌نویسیم:

دَ رین دَرگا هِ بی چو نی هَم لُط فُس تُ مو زو نی	پایه‌های آوایی
چِ صَح را یی چِ خُض را یی چِ دَر گا هی نِ می دا نم	وزن
مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن	نشانه‌های هجایی
—U— —U— —U— —U—	

هر مصراع این بیت، از چهار پایه همسان «مفاعیلن» (ت تن تن تن) تشکیل شده است. به نمونه زیر توجه کنید.

خداوندا، شبم را روز گردان چو روزم بر جهان، پیروز گردان

نظامی

۱. «م» هجای کوتاه است و با معادل خود در مصراع دوم ناهمسان است؛ یعنی معادل یک هجای بلند در نظر گرفته شده است. این کاربرد آوایی به‌ضرورت شعری پدید می‌آید.



خُ	دا	وَن	دا	شَ	بِمَ	را	رو	ز	گَر	دان
چُ	رو	زَمَ	بَرَجَ	هان	پی	رو	ز	گَر	دان	

می‌بینیم که موسیقی و آهنگ این بیت با بیت پیشین، همسان است و همان نظم را دارد و چینش هجاهای پایه‌ها، با آن همگون است.

خُ	دا	وَن	دا	شَ	بِمَ	را	رو	ز	گَر	دان	پایه‌های آوایی
چُ	رو	زَمَ	بَرَجَ	هان	پی	رو	ز	گَر	دان		
مفاعیلن			مفاعیلن			مفاعیلن (= فعولن)			وزن		
---U			---U			---U			نشانه‌های هجایی		

پس از مقایسه این بیت با نمونه پیشین، درمی‌یابیم که تعداد پایه‌های آنها متفاوت است. هر مصراع این بیت، از سه پایه یا رکن، تشکیل شده است. وزن بیت به گونه‌ای سامان یافته است که بافت موسیقایی شعر کوتاه‌تر گردیده و یکی از پایه‌های آوایی آن کاسته شده است هم‌چنین یک هجا از پایان آن حذف شده است. اکنون به نمونه‌های دیگر از پایه‌های همسان، توجه کنید: روزگار است این که گه عزت دهد گه خوار دارد چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد

قائم مقام فراهانی

رو	ز	گا	رَس	تین	کِ	گه	عِز	زَت	دَ	هَد	گه	خا	ر	دا	رَد
چرخ	با	زی	گر	آ	زین	با	زی	چ	ها	بس	یا	ر	دا	رَد	



هر مصراع این بیت از چهار پایه همسان منظم و تکراری، سامان یافته است؛ اما آهنگ و وزن این بیت با بیت پیشین تفاوت دارد.
به پایه‌های آوایی، وزن و نشانه‌های هجایی هر پایه این بیت، دقت کنید.

پایه‌های آوایی	رو زِ گا رَس	تینِ کِ گِه عِز	زَت دَهْد گِه	خا ر دا رَد
وزن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن
نشانه‌های هجایی	--U --	--U --	--U --	--U --

همان‌گونه که آورده‌ایم، وزن این بیت «فاعلاتن (تن ت تن تن)» است.

نمونه زیر را با هم می‌خوانیم:

من به هر جمعیتی نالان شدم جفت بدحالان و خوشحالان شدم

مولوی

پایه‌های آوایی	مَنْ بِ هَر جَم	عِی یِ تِی	نا لان	شُ دَم
وزن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلا (= فاعلن)	
نشانه‌های هجایی	--U --	--U --	-U --	

در این بیت نیز به جای چهار پایه، سه پایه آمده و از پایه سوم نیز یک هجا کم شده است.
وزن این بیت «فاعلاتن فاعلاتن فاعلن» است.





خودارزیابی

۱. برای هر یک از موارد زیر؛ مانند نمونه وزن واژه مناسب بنویسید و نشانه‌های هجایی آن را مشخص کنید:

نمونه	وزن واژه	نشانه‌های هجایی
کبوتر	فعولن	— — U
می‌نویشم
دریا دلان
نمی‌دانم
دری بگشا
بامدادی
با ادبان
کجایی

۲. بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن آنها را بنویسید.

الف) به گیتی هر کجا درد دلی بود به هم کردند و عشقش نام کردند

فخرالدین عراقی

			پایه‌های
			آوایی
			وزن



ب) چه خوش صید دلم کردی بنازم چشم مستت را

که کس آهوی وحشی را از این بهتر نمی گیرد

حافظ

				پایه های
				آوایی
				وزن

پ) تا نگردي بی خبر از جسم و جان کی خبر یابی ز جانان یک زمان

عطار

				پایه های
				آوایی
				وزن

۳ بیت های زیر را متناسب با پایه های آوایی تفکیک کنید، سپس نشانه های هجایی هر یک را در خانه ها قرار دهید.

الف) چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان

چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیان

سعدی

				پایه های
				آوایی
				نشانه های هجایی



(ب) هر آن دل را که سوزی نیست، دل نیست دل افسرده غیر از آب و گل نیست

وحشی بافقی

			پایه‌های آوایی
			نشانه‌های هجایی

(ب) سینه مالا مال درد است ای دریغا مرهمی دل ز تنهایی به جان آمد خدا را همدمی

حافظ

			پایه‌های آوایی
			نشانه‌های هجایی

(ت) ز حسرت بر سر و بر رو، همی زد به سانِ فاخته کوکو همی زد

فدایی مازندرانی

			پایه‌های آوایی
			نشانه‌های هجایی



۴ بیت‌های زیر را متناسب با پایه‌های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن و نشانه‌های هجایی آن را بنویسید.

الف) سحرگه بلبلی آواز می‌کرد همی نالید و با گل راز می‌کرد

سلمان ساوجی

				پایه‌های آوایی
				وزن
				نشانه‌های هجایی

ب) ما به غم خو کرده‌ایم ای دوست ما را غم فرست

تحفه‌ای کز غم فرستی نزد ما هر دم فرست

خاقانی

				پایه‌های آوایی
				وزن
				نشانه‌های هجایی



پ) خوشا از نی خوشا از سر سرودن خوشا نی نامه‌ای دیگر سرودن

قیصر امین پور

			پایه‌های آوایی
			وزن
			نشانه‌های هجایی

ت) عزیزا کاسه چشم سرایت میان هردو چشم جای پایت

باباطاهر

			پایه‌های آوایی
			وزن
			نشانه‌های هجایی

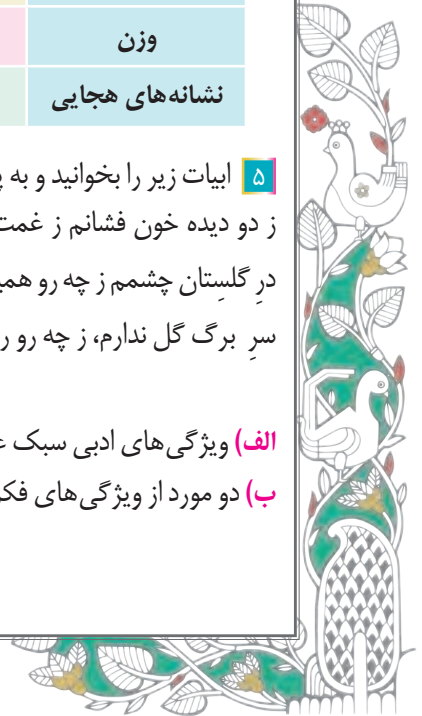
۵ ایبات زیر را بخوانید و به پرسش‌ها پاسخ دهید.

ز دو دیده خون فشانم ز غمت شب جدایی چه کنم که هست اینها گل باغ آشنایی
در گلستان چشمم ز چه رو همیشه باز است؟ به امید آنکه شاید تو به چشم من درآیی
سر برگ گل ندارم، ز چه رو روم به گلشن؟ که شنیده‌ام ز گل‌ها همه بوی بی‌وفایی

فخرالدین عراقی

الف) ویژگی‌های ادبی سبک عراقی را در آن بیابید.

ب) دو مورد از ویژگی‌های فکری ایبات را بنویسید.



درس ششم

مجاز

در بیت:

برآشفتم ایران و برخاست گرد همی هر کسی کرد ساز نبرد

فردوسی

واژه «ایران» در معنایی غیر از معنای خودش به کار رفته است. ایران، معنایی حقیقی دارد که همان مفهوم «کشور ایران»، وطن و محل زندگی ما است؛ اما در این بیت معنای واقعی کشورمان ایران مورد نظر نیست؛ بلکه معنایی دیگر یعنی «سپاه یا مردم ایران» مورد نظر شاعر بوده است.

مجاز، کاربرد واژه، در معنای غیرحقیقی آن است. کاربرد کلمات در معنای مجازی در زبان محاوره و گفت‌وگوی روزانه بسیار است. وقتی می‌گوییم: «حوض بزرگ است»، «حوض» در معنای اصلی خود به کار رفته است؛ اما هنگامی که می‌گوییم: «حوض یخ زد»، منظور آب حوض است؛ به عبارت دیگر، واژه حوض را که معنایی حقیقی یا اصلی دارد، به کار برده و آب را که معنای غیرحقیقی آن است، اراده کرده‌ایم.

البته دریافت معنی غیرحقیقی واژه بر اساس «علاقه یا پیوند» بین آن معنا با معنای حقیقی به ذهن می‌آید و همچنین لازم است «قرینه‌ای» در کلام باشد تا



معنای غیرحقیقی (مجازی) دریافت شود. علاقه، رابطه و پیوندی است که میان معنای حقیقی و غیرحقیقی یک واژه وجود دارد و قرینه، نشانه‌ای در کلام است که ذهن خواننده را از معنای حقیقی دور می‌سازد و به سوی معنای غیرحقیقی آن سوق می‌دهد.

در جمله بالا، «حوض» در معنای «آب» به کار رفته و «بخ زدن» قرینه‌ای است که ما را از معنای اصلی آن دور می‌کند. بین «حوض» و «آب حوض» نیز علاقه و پیوندی هست که حوض را گفته‌ایم و آب حوض را اراده کرده‌ایم.

وقتی می‌گوییم: ماه، دشت لاله‌ها را روشن کرده بود، منظور از ماه، نور ماه است که قرینه «روشن کردن» ما را از معنای حقیقی ماه به مفهوم غیرحقیقی یعنی نور ماه کشانده است. همچنین بین ماه و نور ماه نیز علاقه و پیوندی است که ما را از لفظ ماه به نور ماه رهنمون می‌سازد.

در مثال: جهان خوردم و کارها راندم.

جهان در معنای اصلی خود نیست و نعمت‌های جهان منظور است که این کاربرد را از قرینه «خوردن» متوجه می‌شویم. بین واژه جهان و نعمت‌های جهان نیز پیوند وجود دارد. همچنین در بیت زیر واژه «بیت» کاربرد مجازی دارد:

به یاد روی شیرین بیت می‌گفت چو آتش تیشه می‌زد، کوه می‌سفت

نظامی

معنای حقیقی یا اصلی: کوچک‌ترین واحد کلام موزون و شاعرانه

معنای غیرحقیقی: سخن شاعرانه

چنین کاربردهایی را در سخن شاعرانه و نیز کلام عادی بسیار سراغ داریم، زبان فارسی به طور گسترده از معانی مجازی در ادای مقاصد خویش بهره می‌گیرد.

در بیت زیر سه واژه در معنای غیرحقیقی یا مجازی به کار رفته‌اند:

خروشی برآمد ز دشت و ز شهر غم آمد جهان را از آن کار بهر

فردوسی



واژه	معنای حقیقی (اصلی)	معنای مجازی (غیر حقیقی)
دشت	صحرا	مردم حاضر در دشت
شهر	نام مکان زندگی	مردم ساکن در شهر
جهان	دنیا	مردم جهان

در معنای مجازی، گاهی نیز واژه‌ای را به کمک علاقه شباهت، به جای واژه دیگر به کار می‌برند؛ برای مثال، به جای چشم، به دلیل شباهت آن با گل نرگس، می‌گویند نرگس؛ یعنی واژه‌ای را به دلیل شباهت به جای واژه‌ای دیگر به کار می‌گیرند؛ این گونه کاربرد مجاز، مهم‌ترین نوع مجاز است:

از من غمزده دل می‌طلبد غمزه دوست دوستان دلبر ما نرگس گویا دارد

وفایی

معنای حقیقی نرگس، گلی با گلبرگ‌های سفید و معنای غیر حقیقی آن «چشم» می‌باشد.

خودارزیابی

۱ | معنای حقیقی و مجازی را در واژه‌های مشخص شده بررسی کنید:

الف) درخت تو گر بار دانش بگیری به زیرآوری چرخ نیلوفری را

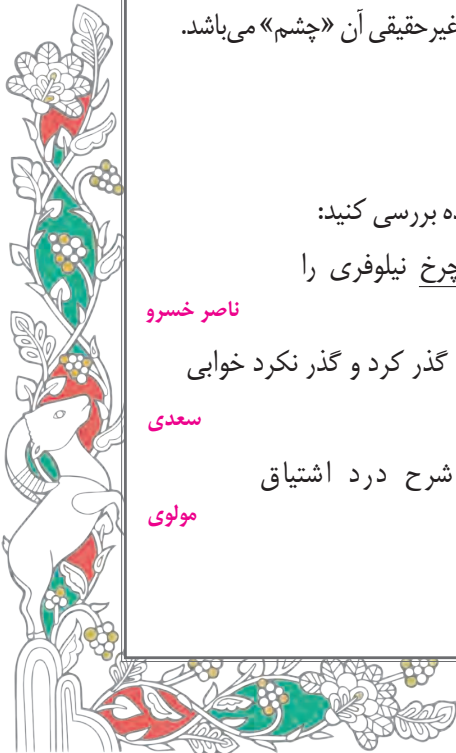
ناصر خسرو

ب) سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی چه خیال‌ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی

سعدی

پ) سینه خواهیم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق

مولوی



۲ در سروده‌های زیر مجاز را مشخص کنید:

الف) فردا که آن شهر خاموش / در حلقه شهربندان دشمن / از خواب دوشینه برخاست / دیدند / زان مرغ فریاد و آتش / خاکستری سرد برخاست

شفیعی کدکنی

ب) فریشتگان سنگ به وی می‌زدند که خاکی و آبی را چه رسد که حدیث کند؟

رشیدالدین میبیدی

پ) چرا چون لاله خونین دل نباشم که با ما نرگس او سرگران کرد

حافظ

ت) دل عالمی بسوزی چو عذار برفروزی تو از این چه سود داری که نمی‌کنی مدارا

حافظ

ث) برو ای گدای مسکین در خانه‌ی علی زن که نگین پادشاهی دهد از کرم گدا را

شهریار

۳ در بیت زیر مجاز و قرینه را مشخص نمایید:

دست فلک ز کارم وقتی گره گشاید کز یکدگر گشایی زلف گره‌گشا را

فروغی بسطامی

۴ بیت زیر را از نظر فکری و ادبی بررسی نمایید:

سپید شد چو درخت شکوفه‌دار سرم وز این درخت همین میوه غم است برم

جامی

۵ وزن بیت زیر را مشخص کنید:

بضاعت نیاوردم الا امید خدایا ز عفوم مکن ناامید

سعدی





کارگاه تحلیل فصل

۱ غزل زیر را از نظر سبک‌شناسی بررسی و تحلیل کنید:

من ندانستم از اول که تو بی مهر و وفایی
عهد نابستن از آن به که ببندی و نیایی
دوستان عیب‌کنندم که چرا دل به تو دادم
باید اول به تو گفتن که چنین خوب چرایی
آن نه خال است و ز نخدان و سر زلف پریشان
که دل اهل نظر برد که سری است خدایی
عشق و درویشی و انگشت‌نمایی و ملامت
همه سهل است، تحمل نکنم بار جدایی
گفته بودم چو بیایی، غم دل با تو بگویم
چه بگویم؟ که غم از دل برود چون تو بیایی
شمع را باید از این خانه به در بردن و کشتن
تا به همسایه نگوید که تو در خانه مایی
سعدی آن نیست که هرگز ز کمندت بگریزد
که بدانست که در بند تو خوش‌تر ز رهایی

سعدی

